

نفوذ تاریخی و منزلت علمی

حضرت فاطمه (علیها السلام)

فصلنامه بانوان شیعه

اشاره

گفتمان حاضر در واقع جمع آوری دیدگاه هایی از سخنان حجج اسلام و المسلمین دکتر محمود تقی زاده داورى،^۱ علی اکبر رشاد^۲ و دکتر احمد بهشتی^۳ می باشد که در باب نقش و نفوذ حضرت فاطمه (علیها السلام) در میان مسلمانان و علل این تأثیر و نیز در خصوص مقام مربیگری و منزلت علمی و معارف فاطمی تدوین گردیده است.

بانوان شیعه: لطفاً در زمینه نقش و نفوذ حضرت زهرا (علیها السلام) در میان مسلمانان توضیح دهید.

تقی زاده داورى: در تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران پس از اسلام، حضرت فاطمه (علیها السلام) یکی از چهره های مستمرّ الهام آفرین برای متدینان راست کیش، فعالان سیاسی حق طلب، مصلحان اجتماعی خیرخواه، معلّمان صبور و حلیم، نویسندگان آگاه و اصلاح طلب، اسلام شناسان متعهد و دنیانگرا، روشن فکران زمان شناس و اصولگرا، هنرمندان دیندار و سنتگرا، شاعران قوم دوست و مذهبگرا، خطاطان با ذوق و معنویتگرا، کارشناسان مسائل جنسیتی، خانواده و تعلیم و تربیت، همسران خانواده دوست، زنان پرکار و قناعت پیشه، و مادران دلسوز و مهربان بوده است. عرصه های این سازندگی و نفوذ را می توان در ادبیات (شعر و نثر)، الهیات، عرفان، اخلاق، تعلیم و تربیت، هنر (خطاطی، طراحي، خوش نویسی، کتیبه ها و نقاشی ها)، در شعارهای سیاسی و انقلابی، در توسّلات و عزلت ها و خلوت نشینی های دین دارانه مشاهده نمود. فاطمه زهرا (علیها السلام) به طور غیرمستقیم، از طریق فرزندان اسوه اش، حسنین و زینب (علیهم السلام) نیز در قوام و بقای حیات شیعی ما مؤثر بوده است. از این رو، به نظر می رسد اصل نقش و نفوذ این بانوی بزرگ در زندگی جمعی ما چندان موردی برای بحث نداشته باشد. او بدون تردید، یکی از پرجاذبه ترین شخصیت های معنوی برای گروه های وسیعی از اقشار جامعه در طول تاریخ مسلمانی ما بوده، بلکه بحث در نوع نقش و نوع جاذبه ای است که ایشان در قالب مذهب و فرهنگ و تاریخ برای ما دارد.

بانوان شیعه: علت اصلی اهمیت و نفوذ حضرت زهرا (علیها السلام) چیست؟

تقی زاده داورى: قطعاً به خاطر مزایا، فضایل و کمالات متعالی این بانوی بزرگ است. برخی از این مزیت ها و فضیلت ها، اعطایی، غیراقتسابی و انتسابی است. مزیت خانوادگی حَسَبی، نَسَبی و

ارثی است. شرافت خانوادگی او به دختر پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله)بودن، دختر حضرت خدیجه(علیها السلام) بودن، همسر حضرت علی(علیه السلام) بودن، مادر حسنین(علیهما السلام)بودن، از تبار موحدان و مذهب حنیف ابراهیمی بودن و امثال آن بازگشت می کند که ویژگی هایی نادر، انحصاری و یگانه اند. و به همین دلیل، اگرچه فاطمه(علیها السلام)برای به دست آوردن آن ها، تلاشی انجام نداده و این امتیازات معنوی از طریق تولّد در خانواده پیامبر(صلی الله علیه وآله) به ایشان اعطا شده اند، ولی همچنان موجب عزّت، شرافت و تعالی این بانوی نمونه اند.

اجازه دهید این ایده را از طریق تمثیل روشن سازیم. ممکن است از شما پرسیده شود: جایگاه و منزلت «الماس» در میان سنگ های طبیعی به چه دلیلی است؟ شما احتمالاً پاسخ خواهید داد: بدون تردید، الماس برای همه اقوام و همه جوامع، سنگی گران بها و گران قیمت است. ولی گرانی قیمت آن به لحاظ مزیت های طبیعی است که برای ما دارد؛ مثلاً، هیچ سنگی را نمی توان جایگزین آن کرد، به وفور یافت نمی شود، بلکه به ندرت به چنگ می آید، استحکام و صلابت، شفافیت و قدرت خیره کننده یگانه ای دارد و امثال آن. «طاووس» نیز در میان پرندگان چنین است، از منزلتی والا نزد ما انسان ها برخوردار است، بسیار باشکوه، با جلالت و با عظمت به چشم می آید، بسیار جذاب و دوست داشتنی به نظر می رسد، با هیچ پرنده و حیوانی قابل جابه جایی نیست؛ شکل، اندام، رنگ و ترکیبی منحصر به فرد دارد که برای ما بسیار باارزش، گران قدر و یگانه است. از این رو، ملاحظه می کنید که سنگ های طبیعی با منزلت زیادند، ولی هیچ کدام «الماس» نمی شوند؛ پرندگان زیبا فراوانند، ولی هیچ کدام «طاووس» نمی شوند. سطح، درجه و حدّ الماس و طاووس از سطح و درجه و حدّ سایر سنگ ها و پرنده ها برای ما انسان ها کاملاً متفاوتند. این ارزش اکتسابی نیست، محصول تلاش و رنج و کار نیست، عطایی و موهوبی است. برای ما انسان ها، اصولاً امور یگانه و اشیای منحصر به فرد، جذاب و دلربا هستند. فاطمه زهرا(علیها السلام) نیز این چنین است؛ دومی ندارد، جایگزین ندارد، نادر و یگانه است. از مزیت حَسَبی و نَسَبی ممتازی برخوردار است که برای ما باحیثیت و ارزشمند می باشد.

بانوان شیعه: لطفاً این ایده را قدری بیشتر توضیح دهید.

تقی زاده دآوری: اجازه دهید این ایده را با مسئله ولادت این بانوی بزرگ توضیح دهم. بنابر نقل مشهور، تولّد آن حضرت در روز جمعه 20 جمادی الثانی سال دوم بعثت روی داده است. در زمینه تولّد ایشان، گزارشی در متون تاریخی اسلام ثبت شده که صرف نظر از صحّت و یا عدم صحّت تاریخی آن، به يك امر مهمّی در زمینه نقش و تأثیر حالات روحی والدین در هنگام تکوین نطفه و شکل گیری جنین اشاره دارد؛ امری که امروزه مطالعات پزشکی و روان پزشکی نیز آن را تأیید می کنند. (مانند مطالعاتی که در زمینه اثرات نامطلوب سیگار و مشروبات الکلی در نوزاد

والدین سیگاری یا الکلی انجام شده و صحت این امر را تأیید کرده اند.) طبق گزارش مزبور، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) مأمور شد چهل روز از حضرت خدیجه (علیها السلام) فاصله بگیرد و به عبادت و مناجات مشغول شود. حضرت در خانه فاطمه بنت اسد (علیها السلام)، مادر حضرت امیر (علیه السلام)، به مدت چهل روز ماند و روزها را به روزه داری و شب ها را به تهجد مشغول بود. غروب، هنگام افطار، امر می کرد تا در خانه را باز کنند و هر که می خواهد وارد شود و میهمان پیامبر باشد.

نکته اول در این گزارش تاریخی، آن است که پیامبر به طور ارادی مدتی از حضرت خدیجه (علیها السلام) فاصله گرفته است. فاصله منزل پیامبر (صلی الله علیه وآله) تا منزل فاطمه بنت اسد (علیها السلام) به لحاظ بُعد مسافت، اصلاً دور نبود، ولی نکته مهم در مفارقت ارادی کوتاه مدت پیامبر از خدیجه (علیها السلام) است که امروزه همه افراد دست اندرکار مسائل خانواده، آن را برای تداوم محبت خانوادگی و تجدید طراوت و نشاط رابطه زن و شوهری ضروری می دانند و بدان توصیه می کنند. در واقع، در انعقاد نطفه این بانوی بزرگ (علیها السلام)، علمی ترین و دقیق ترین شرایط تکوین و تولید يك نوزاد سالم، صالح و بهنجار رعایت شده است.

اینکه در متون دینی همواره به وضودار بودن زوجین توصیه شده است، اینکه توصیه شده مقاربت جنسی مسبوق به نماز و مناجات با خدای بزرگ باشد، اینکه پس از پرخوری در اطعمه و اشربه و پُری معده مقاربتی صورت نگیرد، همه این ها، نقش و تأثیر تعادل قوای جسمانی و حالات روانی همسرخواهانه سرشار از معنویت و عشق را در تکوین جنینی سالم نشان می دهند. البته توصیه های مذکور به معنای نادیده گرفتن اثرات محیط خانوادگی، آموزشی و اجتماعی در شکل گیری شخصیت کودک نیستند - آن موارد نیز در جای خود، در متون دینی ما مطرح شده اند - بلکه بدین معنایند که شخصیت کودک از عوامل متعددی تأثیر می پذیرد که زمینه ابتدایی و اول آن طهارت جسم و جان، بدن و روان والدین می باشد. بخشی از متون دینی، مثلاً آنجا که خوردن میوه های خاصی همانند «سیب» و یا «به» را در دوران حاملگی توصیه می کنند، در واقع به همین تأثیر اشاره دارند.

گزارش مزبور در ادامه، از حضرت امیر (علیه السلام)، که خود میزبان پیامبر (صلی الله علیه وآله) بوده است، نقل می کند که در شب چهلم، پیامبر (صلی الله علیه وآله) با خوشه ای از خرما و انگور و همچنین آب افطار نمود و سپس به خانه خود رفت.

نکته دیگری که از این گزارش می توان آموخت آن است که حالات روحی و روانی هنگامی مؤثر واقع می شوند که به صورت ملکه درآمده، در روح رسوخ و استواری یابند. صرف يك حالت آنی معنوی جذّاب و یا يك احساس دفعی روح بخش لطیف کفایت نمی کند و به نسل بعد منتقل نمی شود، بلکه احساسی ریشه دار، میلی راسخ، تمایلی قویم و کششی برآمده از تمام وجود

است که در نطفه و جنین مؤثر می افتد. اگر روح سرشار از معنا و خلوص و محبت باشد (چنان که در مورد پیامبر(صلی الله علیه وآله) این چنین بود) نطفه ای پاک، مصفاً و سالم را نتیجه می دهد، وگرنه چه بسا زمینه شرارت، خبثت و شیطنت پدید آورد. البته قوام گرفتن چنین احساس و تمایلی نیازمند گذشت زمان و تکرار و فاصله و فراق است که در این گزارش، چهل روز ذکر شده؛ یعنی برای بسته شدن نطفه فاطمه زهرا(علیها السلام) يك احساس نیرومند عاطفی چهل روزه فراهم شده است.

بانوان شیعه: آیا نکته و یا نکات قابل ذکر دیگری نیز در این گزارش وجود دارند؟

تقی زاده داوری: بلی، نکته آموزنده دیگر این گزارش، داشتن برنامه در مسئله زاد و ولد است؛ بدین معنا که والدین پیش از انعقاد نطفه، متفق و مصمم در داشتن فرزند باشند و برای تولد او برنامه ریزی کنند؛ نه اینکه فرزندان، معلول هوس های آنی و تمایلات دفعی والدین بوده و ناخواسته به جامعه تحویل داده شوند. گزارش مذکور به خوبی گویای آن است که پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) و حضرت خدیجه(علیها السلام) از مدت ها قبل، تولد این بانوی بزرگ را طالب بوده و برای آن، مقدماتی تدارک دیده بودند.

به طور خلاصه، می توان گفت: اهمیت، تأثیر و نفوذ حضرت فاطمه(علیها السلام) در فرهنگ ما، به خاطر فضایل، کمالات و آراستگی های این بانوی بزرگ می باشد. برخی از این مزیت ها اعطایی و غیراکتسابی اند که همه گفتار ما در این بخش بدان ها اختصاص داشت؛ قرار گرفتن در جایگاه فرزندی پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله)، جای گرفتن در محل همسری خلیفه و وصی پیامبر(صلی الله علیه وآله)، قرار گرفتن در جایگاه تنها ادامه دهنده نسل پیامبر(صلی الله علیه وآله)، جای گرفتن در محل مادری دو سید جوانان بهشت، حسن و حسین(علیهما السلام)، قرار گرفتن در جایگاه عضویت در حلقه شریف کسا، جای گرفتن در محل عضویت گروه مباحله، قرار گرفتن در جایگاه معنوی خیر کثیر (کوثر)، و سرانجام، جای گرفتن در محل ویژه و انحصاری فاطمه(علیها السلام) بودن، همه این موارد و ده ها فضایل اکتسابی دیگر — که در اینجا طرح نشده اند — از فاطمه زهرا(علیها السلام) شخصیتی ممتاز و متعالی فراهم آورده اند.

ولی اهم و عمده فضایل این بانو در کمالات اکتسابی اوست که ذکر آن ها مجال دیگری می طلبد. حالات معنوی، روحیات انسانی، عادات کریمانه، رفتارهای منطقی، گفتارهای حکیمانه، برخوردهای صمیمانه و سایر ویژگی های برجسته این بانوی بزرگ از او يك اسوه حسنه و يك نمونه مثالین در جامعه و فرهنگ ما ساخته اند. آن ها باید يك به يك شرح داده شوند تا زمینه تأسی ما به ایشان را فراهم آورند.

این را هم باید اضافه کرد که بخشی از منقبت و اهمیت و ارزش فاطمه زهرا(علیها السلام)

در فرهنگ ما، به خاطر تعبیرات و تمجیداتی است که پیامبر بزرگ اسلام (صلی الله علیه وآله) و امامان اهل بیت (علیهم السلام) از این بانو به عمل آورده اند. این تعابیر باید به طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرند و وجوه آن توضیح داده شوند. به نظر می رسد این عرصه نیز کاملاً آموزنده و الهام بخش می باشد.

بانوان شیعه: لطفاً درباره تأثیر و نقش مربیگری و احیاگری حضرت فاطمه (علیها السلام) در جامعه نبوی صدر اسلام و جوامع بشری توضیح دهید.

رشاد: اصولاً زن هویت تربیتی و نقش مربیگری برای جامعه بشری دارد. در کنار هر پیامبر عظیم الشان و هر مصلح بزرگ، چهره يك زن مربی وجود دارد که او را پرورده است. در کنار مصلحان و احیاگران بزرگ همچون حضرت ابراهیم، موسی و عیسی و پیامبر (علیهم السلام) و در کنار امیرالمؤمنین و ائمه اطهار (علیهم السلام) يك زن و بانوی بزرگوار قرار داشته که واسطه فیض خدا با بشریت بوده است. حضرت موسی (علیه السلام) در کنار مادر و خواهر ارجمندش پرورده شد و در دوره ظهور عیسوی، گویا در میان مردان (مردی که شأن ابوت حضرت عیسی (علیه السلام) را داشته باشد، وجود نداشت)، ولی زنی که شایستگی پیامبرپروری داشته باشد، بود و از این رو، حضرت عیسی (علیه السلام) فقط از دامن يك زن ظهور کرد.

اولین انیس و یاور پیامبر (صلی الله علیه وآله) يك زن بود و این زن اولین کسی بود که به او گروید. پس از حضرت خدیجه (علیها السلام) در کنار تنهایی های پیامبر (صلی الله علیه وآله)، فاطمه کوچک سر رسید و برای او مادری کرد و پیامبر همیشه می فرمود: «الفاطمة أمّ ایها.»^(۱) اگر پیامبر (صلی الله علیه وآله) می فرمود: فاطمه مادر من است، از این نظر بود که حضرت فاطمه (علیها السلام) در سن کم، برای پیامبر (صلی الله علیه وآله) مادری می کرد و پس از آن، وجود حضرت زهرا (علیها السلام) در کنار حضرت علی (علیه السلام). منشأ برترین احیاگری ها در همه تاریخ و در میان همه اقوام، و واسطه دوام نسل ها مردها هستند، ولی سلسله رهبری و نسل عصمت می بایست از طریق زن به پیامبر (صلی الله علیه وآله) متصل شود و حضرت فاطمه (علیها السلام) این حلقه اتصال بود. زنان نقش مربیگری در تاریخ دارند و تاریخ گواه این واقعیت است.

از امام راحل (رحمه الله) تعبیری به یاد دارم که بر این نکته تأکید می فرمود که: زن رهبرپرور است. امام راحل، که این تعبیر را بیان می فرمود، در فرهنگ وحی ذوب شده بود. اگر فاطمه (علیها السلام) «کوثر» است، به همین دلیل است. مقام تربیتی و علمی او همانند کوثری جوشان، هنوز هم موج می زند و همه پهنای تاریخ را سیراب می کند. فاطمه معصومه (علیها السلام)، که در قم مدفون است و مرقد ایشان قرن هاست منشأ حرکت و برکت می باشد، تنها جرقه ای از وجود پربرکت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) می باشد؛ زیرا حوزه علمیه در کنار ایشان تأسیس شده و حوزه در جوار فاطمه معصومه (علیها السلام) وجودی همچون امام عزیز (رحمه الله) پرورنده است. در

طول تاریخ تشییع، همه فیلسوفان، متفکران و همه فقیهان و عالمان مصلح به لحاظ معنوی، فرزندان کوثر پیامبر (صلی الله علیه وآله) هستند و فرزندان قرن عصمتند.

یکی از بزرگان می فرماید: در خواب به من گفته شد که «الفاطمة ليلة القدر». او می گوید: به آیه الله شعرانی عرض کردم که من در خواب یا مکاشفه، چنین پیامی را شنیدم. ایشان فرمودند: از امام صادق (علیه السلام) نیز روایتی است که در آن، این مضمون به چشم می خورد و کتاب تفسیری را به من توصیه کردند که در آن این روایت وجود دارد. به واقع، بین حضرت فاطمه (علیها السلام) و «ليلة القدر» شباهت هایی وجود دارد؛ از جمله آن ها، اینکه همان گونه که تدبیر یازده ماه دیگر در ماهی که مشتمل بر ليلة القدر است، انجام می پذیرد، یازده امام معصوم (علیهم السلام) نیز در وجود حضرت فاطمه (علیها السلام) مقدر می گردند و مقدر می شود که یازده ماه عصمت از دامن او ظهور کنند.

بانوان شیعه: اگر درباره کم و کیف علوم و معارفی که از وجود پربرکت حضرت فاطمه (علیها السلام) به یادگار مانده اند نکات خاصی در نظر دارید بفرمایید.

رشاد: غربت حضرت فاطمه (علیها السلام) در عصر ما، به غربت حکمت و معرفت فاطمی (علیها السلام) است. غربت فاطمی (علیها السلام) در این است که ما هنوز يك تفسیر و شرح درخور برای خطبه آن بزرگوار ننوشته ایم. عجیب است من از دو اندیشمند، از دو ذوق و دو جنس تفکر يك عبارت را در این باره شنیدم؛ وقتی خدمت عالم ربّانی آیه الله جوادی آملی رسیدم و درباره مشکلات دانشنامه فاطمی مطالبی را بیان کردم و از جمله متذکر شدم که منابع کم هستند و مستندات و روایات محدود، ایشان فرمود: روایات کم هستند ولی غنی اند. مردی باید که از این عبارات کم و کوتاه، مطالب فراوانی اجتهاد نماید. فعل اگر باشد از يك عبارت می تواند سه جلد کتاب استخراج کند و اضافه کردند: خطبه حضرت زهرا (علیها السلام) مادر نهج البلاغه، و همه کلمات و نامه ها و خطب امیرالمؤمنین (علیه السلام) شرح این خطبه اند.

افسوس که باید به ساحت قدسی حضرت فاطمه (علیها السلام) عذر تقصیر ببریم که تا این حد معارف ایشان مظلوم و غریب واقع شده اند. بنده نظرم به این جمله، که «خطبه حضرت زهرا (علیها السلام) مادر نهج البلاغه است»، جلب شد. در مشورت با استاد فرزانه و اندیشمند، محمد حکیمی، هم درباره دانشنامه مشورت می کردم، ایشان نیز همین حرف را زدند و گفتند: نهج البلاغه فرزند خطبه های حضرت فاطمه (علیها السلام) است و کلمات امیرالمؤمنین (علیه السلام) شرح خطبه فدکیه اند. به ایشان گفتم: جناب حضرت آیه الله جوادی آملی هم چنین مطلبی را بیان کردند. آیا مظلومیتی بالاتر از این وجود دارد که مظلوم اول و آخر، امیرالمؤمنین (علیه السلام)، با این همه عظمت، شرح وجود فاطمه (علیها السلام) باشد و امامت تفصیل وجود زهرا (علیها السلام) باشد، ولی معارف آن بزرگوار تا این

اندازه غریب بمانند؟ آیا مظلومیت بالاتر از این که مظلوم اول و آخر هستی امیرالمؤمنین(علیه السلام) است و امیرالمؤمنین(علیه السلام) با این همه عظمت، شرح وجودی این بانوست، ولی هنوز آن قدر معارف فاطمی غریب هستند که ما طلبه ها نیز برای فهم و انتشار آن ها با مشکل محتوا، مستند و منبع روبه رو هستیم. خدا را شاکریم که توفیق عنایت کرد که مجموعه ای از افراد متخصص فراهم شوند تا *دانشنامه فاطمی* به عنوان گامی برای احیای این غربت ها طراحی گردد.

برای تهیه این دانشنامه، سی مرحله را برنامه ریزی نمودیم؛ از جمله طراحی مدخل ها، شیوه نامه نویسی، ساختاردهی و تهیه اصولی که باید بر این اثر عظیم حاکم باشند. در هر حال، ما وظیفه داریم اعلام آمادگی نماییم و همّت کنیم که خدمتی انجام دهیم. کار خودش انجام می شود. کار *دانشنامه امام علی(علیه السلام)* نیز در فضای عجیبی از عشق و شیفگی انجام شد. به هر حال، امیدواریم که در بیان معارف فاطمی از افراط و تفریط مصون بمانیم.

بانوان شیعه: لطفاً تصویری از منزلت علمی حضرت فاطمه(علیها السلام) ترسیم نمایید.

بهشتی: حضرت زهرا(علیها السلام) درس رسمی و مکتبی به شیوه متعارف نخوانده اند و در تاریخ نیز در این باره که ایشان نزد معلم و آموزگار خاصی (غیر از رسول اکرم(صلی الله علیه وآله)) تحصیل کرده باشد، مطلبی وارد نشده است، ولی در عین حال، ایشان با وجود آنکه راه معمولی و طولانی کثرت تعلیم و تعلم را به طریق عادی طی نکرده، حایز بالاترین منازل و مراتب علمی است و هرگز نمی توان گفت: ایشان توانایی خواندن و نوشتن نداشته و از این موهبت محروم بوده است؛ چنان که درباره حضرت امیر(علیه السلام) هم در تاریخ ثبت نشده که ایشان در جایی خاص، دروس اکتسابی را به صورت مکتبی فراگرفته باشند، ولی در عین حال، بسیاری از کتابت ها و حتی کتابت قرآن و کتابت امور مربوط به پیامبر(صلی الله علیه وآله) و نگارش نامه ها را انجام می داد. تاریخ زندگی حضرت فاطمه(علیها السلام) در خصوص این مطلب (تعلم و نوشتن) صامت است، ولی قرآینی در زندگی ایشان وجود دارند که نشان می دهند ایشان خواندن و نوشتن می دانست. در تاریخ آمده است که روزی حسنین(علیهما السلام) خطی را نوشتند و نزد مادر آوردند تا ایشان قضاوت نماید که کدام يك از دو خط نیکوترند. ایشان امر را به حضرت پیامبر و علی(علیهما السلام) ارجاع دادند، ولی در نهایت، آن بزرگواران نیز قضاوت امر را به وجود خود حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام) موکول کردند و این ها نشانه آن هستند که در این بانو، شایستگی حلّ و فصل چنین امر ظریف و مهمی را می دیدند.

یکی از نکات مهمی که درباره منزلت علمی حضرت فاطمه(علیها السلام) باید گفت، مطلبی است که می توان از تعبیر بلند حضرت سجّاد(علیه السلام) درباره حضرت زینب(علیها السلام) استنباط نمود. حضرت سجّاد(علیه السلام) درباره حضرت زینب(علیها السلام) می فرماید: «أنتِ بِحمدِ اللَّهِ عالمةٌ غیر

معلمه»؛^(۱) شما بحمدالله دانایی هستی که با تعلیم معمولی به علم و دانش دست نیافته ای.

قطعاً این تعبیر و این تعریف درباره حضرت زهرا(علیها السلام) بیشتر صدق می کند و ایشان عالمه غیرمعلمه است و علم ایشان خدادادی می باشد. کسی که در روایات، به عنوان «محدثه» معرفی شده و فرشته با او سخن می گفته و حقایق را برای او بیان می کرده و ایشان املا می نموده و حضرت امیر(علیه السلام) می نوشته، قطعاً وجودی است که به گنجینه های علم لدنی راه دارد.

کسی که وجود مبارکش طبق شهادت روایات و زیارات، مهبط ملائکه الهی و محل نزول کلام و تکلم پروردگار بوده، مسلماً دارای مقام بلند «عالمه غیرمعلمه» است. حضرت زینب کبری(علیها السلام) دارای عصمت صغرا و حضرت زهرا(علیها السلام) دارای عصمت کبرا می باشند. و اگر مقامات علوم لدنی و افاضات نوریه و اشراقیه علوم الهیه از لوازم مقام عصمت است، مسلماً و به طریق اولی حضرت فاطمه(علیها السلام) صاحب مقامات علوم غیرتعلیمی است.

حضرت مریم(علیها السلام) با فرشته ها، هم صحبت بود و قرآن او را زنی برگزیده می داند: *إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.* (آل عمران: 42) و در جای دیگری می فرماید: *يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ.* (آل عمران: 43) حضرت مریم(علیها السلام) نخست برگزیده می شود و از لوازم اصطفاء و عبودیت الهی این است که فرد همراز فرشتگان می گردد. خداوند درباره گفتوگوی فرشته با مادر حضرت موسی(علیه السلام) هم می فرماید: *أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ.* (قصص: 7)

این وحی توسط فرشته بود و یا بیواسطه؟ بعضی ها گفته اند: مگر می شود غیر از انبیا کسی با فرشته گفتوگو داشته باشد؟ بعضی از اهل سنت مخالفت می کنند و می گویند: محال است فرشتگان با غیرانبیا تکلم داشته باشند. ولی این آیات نشان می دهند که این زن ها نبی نبودند، ولی با خدا تکلم داشتند.

بنابراین، حضرت فاطمه(علیها السلام)، که مقام و منزلتش از زن های برجسته یاد شده در تاریخ برتر است، به طریق اولی از چنین مقام و منزلتی برخوردار بوده است. این مقام والا مقامی است برای بالاترین زن و بالاترین مرد غیر از پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله).

مرحوم علامه مطهری گاهی در جلسات طلبگی می فرمودند: بعید نیست حضرت فاطمه(علیها السلام) مقامشان از ائمه هم بالاتر باشد؛ ائمه ای که مقامشان از انبیا بالاتر است؛ مقام حضرت فاطمه(علیها السلام) از ایشان بالاتر است. من خودم این حدیث را ندیدم و نخواندم، ولی این حدیث را یکی از علما از قول امام حسن عسکری(علیه السلام) نقل می کرد: «الفاطمة الحجة علينا»؛ حضرت فاطمه(علیها السلام) حجت بر ما ائمه(علیهم السلام) است. وقتی ائمه اطهار(علیهم السلام) بر مردم حجّتند و حضرت زهرا(علیها السلام) حجت بر ائمه است، بنابراین، مقام علمی آن حضرت(علیها السلام) را نمی توان دست کم

گرفت. «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.»

بنابراین، اگر پیامبر (صلی الله علیه وآله) هزار باب علم را به امیرالمؤمنین (علیه السلام) تعلیم داده، می فرماید: «أنا مدينة العلم و علیُّ بأبها»،^۱ اگر پیامبر (صلی الله علیه وآله) شهر علم و حضرت علی (علیه السلام) باب علم است، حضرت زهرا (علیها السلام) از این باب باید جلوتر باشد و طبق این شواهد، حضرت صدیقه (علیها السلام) باید از لحاظ علمی، مقام بسیار برجسته و بالایی داشته باشد.

بانوان شیعه: از جلسات تدریس و تفسیر قرآن حضرت فاطمه (علیها السلام) در تاریخ چیزی به یادگار مانده است؟

بهشتی: قدر مسلم از محضر چنین بانویی زن ها استفاده می کردند، اما زن هایی که سطح سوادشان صفر و یا در حداقل بود نمی توانستند بهره ای را که باید و شاید از این بانو ببرند. قصور از زن ها بود، از حضرت زهرا (علیها السلام) نبود؛ مثل آنکه يك ریاضیدان بزرگ بخواهد به بچه های کلاس اول ریاضیات عالی درس بدهد. آن زن ها در مرحله ای نبودند که بتوانند از محضر ایشان بهره های کافی و وافیه ببرند، ولی همین که آن حضرت (علیها السلام) ملهمات خویش و احادیثی را که از سوی فرشته برایش گفته می شدند و حضرت امیر (علیها السلام) آن ها را می نوشت، بهترین دلیل برای آن است که مقامش چقدر والا بوده است. حضرت علی (علیه السلام) به سینه اش اشاره می کرد و می فرمود: «إِنَّ هُنَا لَعِلْمًا جَمًّا»^۲; «أنا أعلم بِطُرُقِ السَّمَاءِ مِنْ طُرُقِ الْأَرْضِ»^۳

اگر همین خطبه ای را که حضرت زهرا (علیها السلام) ایراد نمودند مورد مطالعه قرار دهیم مقام علمی آن حضرت هویدا می شود و عجیب اینکه حضرت زینب (علیها السلام) این خطبه را حفظ کرد و روایت نمود. در اینجا، انسان هم به مقام حضرت زهرا (علیها السلام) و هم حضرت زینب (علیها السلام) پی می برد. اگر قسمت هایی را که در این خطبه مربوط به توحید و فلسفه و جهان بینی و فقه است مورد مطالعه قرار دهیم و تجزیه و تحلیل کنیم، می توان درباره اش مقالات و کتاب های متعدد نوشت — البته به اندازه ظرفیت خود نویسنده، نه به اندازه ظرفیت حضرت زهرا (علیها السلام). آب دریا را اگر نتوان کشید *** هم به قدر تشنگی باید چشید.

خطبه های یادگار مانده از آن بانو خود بهترین شاهد برای مقام علمی و فقهی و فلسفی این بزرگوار است و از هر نظر، می تواند شخصیت علمی و فقهی آن بزرگوار را نشان دهد.

بانوان شیعه: در باب معارف و منزلت علمی خطبه «فدکیه»، اگر مطلب ویژه ای مد نظر دارید بیان نمایید.

بهشتی: معارف خطبه «فدکیه» با منزلت علمی نهج البلاغه و قرآن قابل قیاس می باشند. البته این به معنای آن است که هر مطلبی از این خطبه را می توان در قرآن کریم و نهج البلاغه بررسی کرد و در مرحله بعد، می توان آن را با کلماتی که از ائمه اطهار (علیها السلام) باقی مانده اند مقایسه نمود؛ یعنی در حقیقت، می توان گفت: سرچشمه همه معارفی که در قرآن و بیانات حضرت صدیقه و

امیر المؤمنین (علیها السلام) وجود دارند یکی است و آن خداوند متعال است. آن ها هر چه دارند از آن سرچشمه غیب دارند. وقتی سرچشمه یکی باشد همه آن ها به يك جا می رسند و ما فوق قرآن چیزی نداریم و هر چه داریم پرتوی است از وحی و در آئینه خطبه فدکیه زلالی و نورانیت وحی الهی هویداست.

بانوان شیعه: اگر با يك رویکرد کلی به زندگی حضرت فاطمه (علیها السلام) نظر شود، چه نکته ای برای شخص شما از میان ویژگی های زندگی آن بزرگوار بسیار چشمگیر بوده است؟

احمد بهشتی: من به لحاظ اینکه چند کتاب درباره تربیت و خانواده نوشته ام، مثل خانواده در قرآن، مسائل و مشکلات خانوادگی، مسائل و مشکلات زناشویی، و اسلام و تربیت کودکان، و ...، ظواهر زندگی آن حضرت برایم بسیار جذاب بوده و مرا تحت تأثیر قرار داده است. مناجات ها و حالات معنوی و شب زنده داری ها، همه مهم هستند، ولی آن ها در حقیقت و باطن نورانی حضرت زهرا (علیها السلام) تجلی می کنند. هر چند قوام ظواهر زندگی حضرت (علیها السلام) به اخلاص و عبادت و معرفت باطنی ایشان بوده ولی ما که نمی توانیم اوج آن معارف را فهم نماییم حداقل تأمل در سطر سطر ظواهر زندگی آن حضرت (علیها السلام) می تواند ابواب بی شماری از معارف را به روی ما بگشاید. برای شخص من وقتی با نگاهی تربیتی به ظواهر زندگی آن بانو می نگرم، چند نکته مهم بوده اند:

یکی مسئله همسررداری حضرت زهرا (علیها السلام) است؛ با آن عظمت مقام و شخصیت، ایشان چه از لحاظ خانوادگی و چه از لحاظ شخصی، در برابر حضرت امیر (علیه السلام) در نهایت تواضع رفتار می کنند؛ بانویی که تمام مشکلات خانوادگی را تحمل می کند و يك بار به روی حضرت علی (علیه السلام) نمی آورد. بعضی از زن ها چقدر در عظمت مردها مؤثرند! (مثلا، همسر علامه طباطبایی (رحمه الله) در موفقیت ایشان خیلی مؤثر بوده است.) وقتی حضرت امیر (علیها السلام) به جنگ می رفت و شمشیر خون آلودی را به خانه می آورد و کناری می گذاشت، حضرت فاطمه (علیها السلام) نمی پرسید: چه غنیمت آورده ای؟ وقتی خیلی گرسنه می شدند و سه روز افطارشان را می بخشیدند، يك بار کلمه ای که گله ای از آن استنشام شود بر زبان نمی آورد. آن حضرت (علیها السلام) از لحاظ همسررداری، برترین و بزرگ ترین الگوست برای تمام زن های مسلمان و تمام دین های دنیا.

دوم از حیث تربیت اولاد، اهمیت کارهای ایشان کم نیست. در آن شرایط سخت و دشوار، دختران و پسرانی تربیت کرد که هر کدام نمونه روزگارند، و با آن روش بسیار متین و خداپسندانه آن ها را تحویل جامعه داد.

برای من، این ظواهر بسیار جذابند. ما نمی توانیم به کنه این مطلب پی ببریم. اخلاق

مادری و اخلاق همسرداری و درجه گذشت و فداکاری ایشان قابل تقدیر است. ایشان فداکارانه از کیان امامت و حقوق حضرت علی(علیه السلام) و ولایت ایشان دفاع کرد.

بانوان شیعه: آیا از شواهد و قرائن تاریخی می توان به این معنی نزدیک شد که وجود این بانو، در بین اهل بیت(علیهم السلام) محوریت ویژه ای داشته است؟

احمد بهشتی: بله وقتی حضرت زهرا(علیها السلام) وارد می شود، پیامبر(صلی الله علیه وآله) برمی خیزد و دست ایشان را می بوسد. این مطلب معنا می دهد. وقتی ایشان از شهر بیرون می رود، آخرین فردی را که وداع می کند حضرت زهرا(علیها السلام) است، و وقتی وارد می شود، اولین فردی را که دیدار می کند فاطمه زهرا(علیها السلام) است. همه این ها رموزی است که صاحبان خرد باید در آن دقت نمایند. در حدیث «کساء» آمده است: «جابر بن عبدالله انصاری از حضرت زهرا(علیها السلام) نقل می کند: روزی پدرم بر من وارد شد و فرمود: سلام بر تو، ای فاطمه. عرض کردم: بر شما باد سلام خدا. فرمود: در بدن خود احساس ناتوانی می کنم. عرض کردم: پدر جان! شما را به خدا می سپارم تا ضعف از شما رخت بریندد. فرمود: عبا یمنی را بیاور و مرا با آن بپوشان ... سپس من و حسن و حسین و علی(علیهم السلام) به فرموده پیامبر در زیر عبا جمع شدیم. پس از آن، پیامبر طرفین عبا را گرفته، دست راست خود را به سوی آسمان بلند کرد و عرضه داشت: پروردگارا! اینان اهل بیت و خاصان و یاران من اند. جبرئیل می پرسد: آنان چه کسانی اند؟ خداوند جواب داد: آنان فاطمه اند و پدر فاطمه، فاطمه اند و شوهر فاطمه، فاطمه اند و فرزندان فاطمه(علیهم السلام).^(۱)

محور در حدیث کساء فاطمه است. خداوند نفرمود آنان محمد و دخترش و دامادش و نوه هایش هستند. پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) محور قرار نگرفت، بلکه حضرت فاطمه(علیها السلام) محور قرار گرفت.

این ها نشان می دهند که مقام حضرت زهرا(علیها السلام) در اوج بوده است. زن های آن موقع که یا سوادشان صفر بود و یا کم، چگونه می توانستند از این دریای بیکران استفاده کنند؛ در جایی که حضرت امیر با آنکه هزار باب علم داشته است، در مقابل او زانو می زند و آن الهامات و محدثاتی را که برای حضرت زهرا(علیها السلام) از طریق فرشته وحی آمده بودند، می نویسد از این نکته محوریت و اهمیت منزلت علمی آن بانو آشکار می شود.

بانوان شیعه: از همه سروران گرامی که با پاسخ آموزنده خود زمینه این گفتمان علمی را فراهم آورند. سپاسگزاری می کنیم.